

نگاهي اجمالي

به فحش نامه سرگشاده بهزاد سهرابی

مورخ ۸۶/۹/۲۷

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند.

آنکه نمیداند نادان است،

آنکه میدانند و دروغ میگویند تبهار است.

«برتولت برشت»

با سلام و درود و خسته نباشید به کلیه کارگران
فعال انقلابی و فعالان انقلابی کارگری جنبش ضد
سرمایه داری.

بدون مقدمه.

اخيراً بهزاد سهرابی در فحش نامه ای ۴ روز پس از
دستگیری محسن حکیمی به بهانه انتشار مقاله ای از فردی
به نام حیدر کریم - که در مورد اساسنامه های
پیشنهادی در آخرین مجمع عمومی کمیته هماهنگی نکاتی
را ارائه داده - به ترور شخصیت محسن حکیمی و
هزلیاتی در مورد فعالان کارگری «علیه کارمزدی» و
«جنبش ضد سرمایه داری» پرداخته است.

- اول من "حیدر کریم" را نمی شناسم و از انگیزه وی
در انتشار علنی مطالبی در مورد اساسنامه های
پیشنهادی ارائه شده در آخرین مجمع عمومی بی اطلاع
هستم.

- دوم شما آقای بهزاد سهرابی! به چه حقی تصمیم به انتشار بحثهای درونی و وقایع داخلی کمیته هماهنگی بالاخص در آخرین مجمع عمومی گرفته اید؟!؟! - این اجازه را چه کسانی به شما داده اند که با خزعبلات خود امنیت دیگران را با سوالهای پلیسی به خطر بیندازید؟!؟! - طبق کدام اعلام موجودیت از سازمان موهوم "علیه کارمزدی" و کدام رهبران تحت پوشش "ضد سرمایه داری" به این نتایج وهم آلود رسیده اید؟ - چرا سه روز پس از دستگیری محسن حکیمی و انتقال وی به زندان اوین، اینگونه همگام و به موازات "قاضی مرتضوی" (دادستان جمهوری اسلامی) به تشکیل پرونده برای او پرداخته اید؟ دست مریزاد آقا بهزاد! - تو به علت ضعف تئوری، انفعال در عمل مبارزات کارگری، در غلتیدن به دامن بحثهای صرف روشنفکرانه بورژوازی، حاشیه نشینی، به جای پرداختن به نقدهای نقدانه نسبت به مواضع "علیه کارمزدی" و یا "جنبش ضد سرمایه داری" دست به سیاهکاری، اتهام زنی و سوالات پلیسی زده ای.

- از فعالان کارگری "جنبش ضد سرمایه داری" اسم میخواهی و تعداد نفرات؟

- لابد آدرس و کروکی خانه شان، یک قطعه عکس ۳×۴ و اثر انگشت خود را باید به تو بدهند!

به خودت بیا، برو این دام بر مرغ دگر نه!

- از محمود خجالت بکش که به حالت نگاهت بروی تخت بیمارستان نیروی انتظامی دستبند به تخت قرار دارد.

- محسن در کنج زندان و گوهری هم بند وی. مگر گوهری راننده شرکت واحد نیست؟ پس چطور ادعا می‌کند که فعالان "ضد سرمایه‌داری" یا "علیه کارمزدی" از مبارزات بر حق کارگران شرکت واحد دفاع نکرده و نمی‌کنند؟

- سرمایه‌داری از طریق عوامل مزدورش به ترور کور کارگران فعال پرداخته آنها را مورد ضرب و شتم شدید قرار میدهد و در مقابل اعتراضات به حقشان به شدت سرکوب می‌کند و از حق اولیه زندگی انسانی - داشتن کار - محروم می‌سازد. آنوقت تو در اندیشه بیرون کردن فعالان کارگری "ضد سرمایه‌داری" و حذف آنها از کمیته هماهنگی با دروغ‌پردازی و زدن انگ بوده سعی در تقسیم ارثیه "کمیته هماهنگی" - سایت و غیره - می‌کنی؟ مرحبا آقا بهزاد!

- مشکل تو و همپالگی‌هایت، عدم درک ماهیت عمل "ضد سرمایه‌داری جنبش انقلابی کارگری" می‌باشد و بس. - شما با حذف این عبارت به عنوان مقدمه عمل نمودن در این راستا، به دنبال اثبات چه چیزی هستید؟

- اگر مبارزات انقلابی کارگران به طور ماهوی و ذاتاً دارای سرشت ضد سرمایه‌داری در عمل نباشد و در جهت محو و نابودی سرمایه‌داری گام برندارد پس چه خاصیتی دیگری جز مماشات طلبی با سرمایه‌داری خواهد داشت؟

- ما بدلیل نبودن ماهیت انقلابی "ضد سرمایه‌داری" در عملکرد اتحادیه‌ها و سندیکاها و هر تشکل

مهاشات طلب و رفرمیست دیگر، آنرا تحت نفوذ و تأثیر بورژوازی جهانی (چه در آمریکا، اروپا، خارو دور و نزدیک و...) دانسته و با آنها مرزبندی آشکار و روشن و واضح داریم. دوستان کارگر شما قضاوت کنید. ما دنباله‌روی از سیاستهای رهبران اینگونه تشکلهای زرد و یا الگوسازی از آنها را همراه و همگام با بدنه کارگری این تشکلهای در عمل و تئوری افشا و بازگو می‌کنیم.

- دوستان دیگرمان بارها به این نکته‌ها طی مقالات مختلف اشاره کرده‌اند. من حداقل طی سه مقاله، یک مقاله در سایت جمعی از فعالین کارگری و دو مقاله دیگر در سایت سیمای سوسیالیسم، نظرات خود را نوشته‌ام.

تو اگر نقد داری، بنویس. چرا جن پراکنی و ترور شخصیت برای انداخته‌ای و زبان دیگری را به عاریه گرفته در کام خویش می‌چرخانی؟

البته اگر الفبای نقادی را فرا گرفته باشی!!
- نه، نقل این حرفها نیست، تو "اعتبار" گذشته خود را سنگر بزدلانی کردی که شهادت رویارویی را نداشته، و از "اعتبار" تو هزینه کرده و به سمپاشی پرداخته‌اند.

- مبارزه علیه دستمزد محور مبارزات کارگران می‌باشد آنهم تا روزی که دیگر هیچ انسانی نیروی کار خود را به عنوان کالا نفروشد و تن به بردگی کارمزدی و مزدوری نسپارد، کار برای وی انتخاب و تفریح گردیده و انسانها برابرانه زندگی کنند.

این به دست نیاید مگر در مبارزه‌ای نفس‌گیر و هوشمندانه و تنگاتنگ علیه سرمایه‌داری و سازماندهی و تمرکز ذره ذره، لحظه به لحظه و گام به گام این مبارزات انقلابی علیه نظام گنبدیده و عفن سرمایه‌داری. تو کجا قرار داری؟ نگاهی به نقد برنامه گوتا و مانیفست و ایدئولوژی آلمانی بینداز! البته اگر وقت کردی!

- مگر اساسنامه اولیه مورد قبول جمع شرکت کننده در جمع نبود که تو یقه محسن حکیمی را بر سر بند "دال" گرفته و آویزان شده‌ای؟ پس از تصویب این بند توسط جمع عمومی، دیگر این بند به محسن چه ربطی دارد؟

دیگرانی که امروز یقه درانی کرده و هوار می‌کشند مگر خواب بودند یا افسون شده بودند؟ و یا شاید، بدتر از همه، فرصت طلبانه - جهت نفوذ در کمیته هماهنگی - مفاد آنرا قبول کرده تا طبق نقشه از قبل با هدف کارشکنی و سربازگیری به کمیته هماهنگی وارد شوند. لابد خودشان بهتر می‌دانند - که صد البته حاشا به صداقتشان .

دوستان کارگر! همزمان کمیته هماهنگی!

از شمال سوال می‌کنم، از چه زمانی سنت شده کسی نکته‌ای را به عنوان اشتباه طرح کند باید او را به صلابه فحاشانه از نوع لمپنیسم سیاسی کشاند و وی را مطرود قلمداد کرد؟

یا اینکه - برخلاف ادعای بهزاد «اقلیت ضد سرمایه داری» از نظر کمی - بعنوان اقلیت مخالف می‌بایست با تهدید در لفافه و نه طبق تصمیم جمع عمومی محکوم به

اخراج شود؟ کدام شیر پاک خورده ای چنین ماده ای را
تصویب کرده؟ این افکار ما را به یاد اخراجهای
دسته جمعی کارگران توسط احکام کارفرمایان و ماده
۲۷ قانون کار می‌اندازد.

- چه کسی مخالف سازمان یا حزب کارگری واقعاً
انقلابی است؟ ما یا شما؟ که دارودسته کودتای شما
آنرا پیرهن عثمان کرده و علم و کتل برای انداخته و
ترا نقاره‌چی خود قرار داده‌اند.

- کدام حزب و یا سازمان و یا شورایی همکاری
کارگری، چه آشی، چه کشکی؟

مزاح می‌فرمائید!

- ما قبلاً هم گفته ایم، این را که یک عده دور
هم جمع شوند و محفل خود را آقا بالا سر کارگران
قلمداد کنند و خود را "رهبران طبقه کارگر"!!
بخوانند در حالیکه روح کارگران خبر ندارد ما قبول
نداریم، زهی خیال باطل از این خود فریبی!

دوستان کارگر و هم‌زمان کمیته هماهنگی!

ما با تفکر و اندیشه فرقه گرایانه، انحصار
طلبانه، مال خود کردن جنبش کارگری جهت ارثیه طلبی،
سهم خواهی لمپنی سیاسی، و یا سربازگیری از بین
کارگران و چیدن آنها در پشت ویتزین احزاب و
سازمانهای بظاهر و اسماً کارگری مخالفیم. این حق
ماست. نقد دارید، دلایل خود را بنویسید.

- در مورد اول ماه مه ۸۶، مگر این تجمع به دعوت
خانه کارگر، و تظاهرات به شکل خود جوش توسط
کارگران معترض برای نیفتاد؟ شما چگونه آنرا اعلام و
سازماندهی کرده بودید؟

طبق کدام اعلامیه از قبل و منتشر شده در بین کارگران؟ شما حتی يك بلندگوي دستي هم نداشتید!

در مورد حضور بچه‌هاي ضدسرمایه داري خودتان بهتر میدانید که دروغ می‌گوئید ولي ببخشید که آنها یادشان رفت نزد شما آمده تا حضور و غیاب شوند.

- شما در مورد شرکت در مراسم اول ما مه در سال ۸۵ معتقد به برگزاري تجمعات مقطعي بوده اید. این اصرار ما بود که باید بمیان جمعیت کارگران در خیابان طالقانی برویم و ماهیت سرمایه دارانه خانه کارگر و عملکرد نظام سرمایه داري را همراه با کارگران معترض افشا کنیم. وقاحت هم حدي دارد!

رحمت به آن بروبچه‌هایی که به اندازه شما ادعا ندارند ولي چند برابر شما فعال هستند.

- مگر محسن حکیمی به اتهام شرکت در مراسم اول ماه مه سقز همراه کارگران دیگر در دادگاه محکوم نشد؟

- این اساسنامه خوب است آن یکی اخ است یعنی چه؟

- ما در اکثریت هستیم و شما در اقلیت یعنی چه؟

- از اسامي واقعي و نه مستعار استفاده کردن و یا برعکس ربطی به کسی ندارد.

- يك کارگر مبارز به کارگران هرگز دروغ نمی‌گوید.

چرا در مورد نظریه و عمل "علیه کارمزدی" دچار توهم شده و آنرا با "جنبش ضد سرمایه داري" یکی دانسته و برایش یکبار گروه (از روی تنگ نظری) بار دیگر سازمانی موهوم می‌تراشید؟

- چرا اپیدمی هیستری رایج حزبی و یا سازمانی ناشی از بیماری فرقه گرایانه خود را به آنها نسبت می‌دهید؟

- چرا عمل "راهنمای چپ زدن و گردش به راست" خود را به آنها می‌چسبانید؟

- شعار اتحاد بر پیشانی خود برچسب کرده اما عملاً به از هم پاشیدن کمیته هماهنگی و تصفیه کردن مخالفان خود پرداخته‌اید آنهم با تهدید مکتب‌خانه‌ای. چه کسانی این حق را به شما داده‌اند؟

شما که روی "تقی شهرام" را سفید کردید!

- فرق بین "شواری همکاري" با شواری اسلامی کارخانات در چیست؟ دوستان کارگران کیانند؟

- شورایی که در عمل چیزی جز شورای ضد همکاري، ضد اتحاد عمل کارگری نبوده و تاکنون، قانون فرقه گرایان، دسیسه بازان و بلانکیست‌ها بوده است. کدام کارگر فعال انقلابی شما را قبول دارد؟

- شما جمعی روشنفکر ورشکسته که به ضرب فریب یکدیگر و درغپردازی یکدیگر را تحمل می‌کنید.

- اما جهت اطمینان خاطرتان بگویم که "جنبش انقلابی ضد سرمایه داری" شامل طیف گسترده‌ای از دلسوزان و دلسوختگان، کارگران و فعالان کارگری با علایق و سلیقه‌های متفاوت می‌باشد.

- اما شما، دوستان! چپ نیستید، چپول تشریف دارید!

لوچ شده‌اید، آنهم از فشار واقعیات مبارزات "ضد سرمایه داری" کارگران. نیاز به عینک با

عدسیهایی از نوع دیالکتیک ماتریالیستی دارید. که صد البته در دکان رفقایان یافت نمی‌شود، مطمئن باشید.

اما دوستان کارگر، هم‌زمان صادق کمیته هماهنگی! همانطور که میدانیم اینک ما در عصر سرمایه داری جهانی زندگی می‌کنیم. این اختاپوس خونخوار از ذره ذره پروتئین و مواد غذایی موردنیاز ما کارگران و سایر مزدبگیران زحمتکش میزند تا به انباشت خون آلود سرمایه خود بیفزاید، این، منطق اوست.

- در این دوران که "جنبش انقلابی ضد سرمایه داری" عصر نوینی را علیه سرمایه داری جهانی و داخلی آغاز کرده نیازمند تشکلی فراگیر، پویا، شجاع و جنگنده می‌باشیم تا مبارزات کارگران را توسط کارگران آگاه و فعال رهبری کرده و تئوری انقلابی خود را که محصول سالها تجربیات مبارزاتی وی میباشد در عمل متقابل به کار گیرد.

ایران از نظر موقعیت جغرافیایی اقتصادی و جغرافیایی سیاسی در منطقه ویژه فصل مشترک منافع امپریالیستها قرار دارد. کارتل‌های نفتخوار همچنان به سودهای مافوق نجومی خود از طریق بالا بردن نرخ کالای محبوبشان (نفت) مشغولند. این غارت در کشورهای نفت خیز بالاخص در تولیدکنندگان اپک شدت بیشتری دارد و این رسالت جنبش کارگران ضد سرمایه داری است که هشیارانه این معادله را در عمل بر هم زند. پرداختن به جدالهای فرقه‌ای، ریختن آب به آسیاب سرمایه است که این خود نیز پس مانده ادبیات آبکی

متروک سالهاي ۵۸ و دهه ۶۰ مي‌باشد که اين بار بگونه‌اي ديگر قي مي‌شود.

- دوستان کارگر! من براي بهزاد احترامی قائل بودم و هنوز هم بازگشت وي را به عرصه جنبش انقلابي ضد سرمايه داري آنهم از طريق انتقاد از خود شجاعانه انتظار مي‌کشم. نظر شما چيست؟

- با درود به کل جان باختگان جنبش ضد سرمايه داري در طول تاريخ.

- به اميد رهايي طبقه کارگر از بند نظام سرمايه داري و محو نظام طبقاتي.

- برافراشته باد پرچم مبارزات "جنبش انقلابي ضد سرمايه داري" در سراسر جهان.

من خواهان آزادي هر چه سريعتر محمود صالحي و دستگير شدگان پارک چیتگر و ساير کارگران فعال و فعالان در بند و کليه دانشجويان و معترضان به حقوق اجتماعي و سياسي در ايران و جهان هستم.

منوچهر

۸۶/۱۰/۶